



فهرست مطالب

2	چکیده
2	مقدمه
3	فصل اول: از ولادت حضرت علی علیه السلام تا بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
4	فصل دوم: از آغاز بعثت تا هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
5	فصل سوم: از آغاز هجرت تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
12	نتیجه

چکیده

حضرت علی علیه السلام در خانه کعبه متولد شدند و درجوار وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پرورش یافتند با حضرت زهرا علیها سلام ازدواج کردند و از همان دوران نوجوانی خود در راه پیشرفت دین و اعتلای پرچم لاله الا الله از هیچ کوششی دریغ نورزیده و با اخلاص تمام پیامبر گرامی اسلام را یاری کردند .

مقدمه

در این تحقیق پایانی سعی بر این است که حضرت علی علیه السلام را از لسان مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در سه دوره زمانی و در سه فصل مورد بررسی قرار دهد. فصل اول از ولادت حضرت علی علیه السلام تا مبعث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فصل دوم از آغاز بعثت تا هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و فصل سوم از هجرت پیامبر گرامی اسلام تا رحلت جانشوز ایشان .

فصل اول: از ولادت حضرت علی علیه السلام تا بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

طبق روایات رسیده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم خلقت حضرت علی علیه السلام چون خلقت خود ایشان حتی خلقت فاطمه (س) و حسنین همگی هزاران سال قبل از خلقت آدم ابوالبشر بوده است و حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از نورخدای بزرگ آفریده شده اند که همچنان از صلبی به صلب دیگر منتقل شده تا در صلب عبدالمطلب قرار می گیرند . پس صلب او به دو قسمت تقسیم شده و قسمتی در صلب عبدالله و قسمت دیگر آن در صلب ابی طالب نهاده می شوند .¹

و لذا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بارها و بارها می فرمودند علی از من و من از علی هستم، گوشت او گوشت من و خون او خون من است هرکس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هرکس با او کینه توزی کند با من کینه توزی کرده است .²



علی در 13 ماه رجب، 30 عام الفیل در مکه معظمه و درون خانه امن پروردگار چشم به جهان گشود، مادرش فاطمه بنت اسد، آن گاه که از شدت درد زایمان ناراحت بود خود را به خانه ی کعبه رسانیده و پس از اظهار به زایمان خود، خداوند را به حق فرزندی که در شکم دارد سوگند داده که او این حمل را بر وی آسان گرداند، آری در برابر چشم همگان دیوار کعبه شکافته شد و او به داخل رفت و بعد از سه روز فاطمه بنت اسد همراه با نوزادش از کعبه بیرون آمدند.³

در مورد نامگذاری آن حضرت به نام علی علیه السلام اختلاف نظر وجود دارد اما آن چه از همه ی اقوال روشن تر به نظر می رسد این است که چون فاطمه بنت اسد از خانه خدا خارج می شد هاتقی ندا داد که نام او را علی علیه السلام بگذارید.

مادرش نام حیدره را بر او نهاد و القابی چون بطین، انزع، شیرخدا و شیر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم صاحب پرچم، وصله کننده کفش، برطرف کننده ی غم و اندوه، پدر دو گل خوشبو و بزرگوار شهر و القاب فراوان دیگر را تنها به ایشان نسبت داده اند.⁴

طبق روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خداوند نودخصلت از خصلت های زیبای پیامبران را در علی علیه السلام جمع کرده که به جز آن حضرت در کس دیگر جمع نفرموده است.⁵

پدر ایشان ابوطالب مؤمن قریش و یاور و مدافع همیشگی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است و مادر ایشان فاطمه بنت اسد که جزء اولین ایمان آوردندگان به رسول گرامی اسلام نامش در تاریخ ثبت است، می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در فوت هر دو بسیار گریست، چرا که آن دو را پدر و مادر خود می دانست و سالهای زیادی در خانه آنها پرورش یافته بود.

برخی ابوطالب را به شرک محکوم کرده اند که ادله زیادی در رد این مدعا وجود دارد من جمله اشعار فراوان ایشان در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، سه سال سختی و رنج در شعب ابیطالب و حمایت همه جانبه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و ... در تأیید این مطلب همین روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کفایت می کند که ایشان می فرماید:

«قریش هیچ گاه نتوانست مکروهی بر من وارد کند مگر زمانی که ابوطالب از جهان رفت».⁶

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم علی علیه السلام را مورد مهر و محبت خود قرار داده و مکرر می فرمودند:



«این برادر، ولی، یار، پناه، وصی و داماد من است و او برای وصایت و خلافت من امین می باشد بعدها نیز با آمدن قحطی شدید د رمکه و فقر ابوطالب، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم علی علیه السلام را به منزل خود آورد و شخصاً سرپرستی ایشان را به عهده گرفت و بدین وسیله علی علیه السلام توانست از خرمن اخلاق و فضائل انسانی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بهره ی زیادی ببرد و تحت رهبری ایشان به عالی ترین مدارج کمال خود برسد.»⁷

فصل دوم : از آغاز بعثت تا هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم

با نزول آیه **وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ**⁸ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مأموریت یافت تا از دین اسلام رسماً تبلیغ کرده و ابتدا خویشان و نزدیکان خود را به این آئین مقدس فرا خواند، لذا از علی علیه السلام که آن زمان **13** سال بیشتر نداشت درخواست کرد تا غذایی فراهم کرده و از سران قریش را که **45** نفر بودند دعوت به عمل آمد که البته بعد از صرف غذا ابولهب مجلس را به هم زد و طبق مصلحت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فردای آن روز دوباره این مهمانی تکرار شد، این بار پیامبر پیشنهاد خود را توانست مطرح کند و آن هم اینکه هر کس مرا پشتیبانی کند برادر و وصی و جانشین من خواهد بود و این مطلب را سه بار تکرار کرد و هر بار تنها علی علیه السلام لبیک گوی این دعوت شد و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در همان مجلس ایشان را به عنوان برادر و وصی و جانشین خود معرفی کرد. آری در سبقت آن حضرت به اسلام جز عده ای کم همگی اتفاق نظر دارند و او را اول المسلمین و صدیق اکبر و فاروق اول دانسته اند و از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «او نخستین کسی است که به من ایمان آورد و رسالتم را تصدیق کرد و با من نماز خواند».

با آغاز بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و علنی شدن دعوت ایشان و گرویدن مردم به این آئین آزار و شکنجه های مشرکین مکه نیز شروع شد لذا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به عده ای از پیروان خود دستور داد که برای رهایی از شر مشرکین مکه به مدینه مهاجرت کنند و خود نیز منتظر اذن پروردگار برای هجرت به مدینه شد از آن طرف مشرکین مکه برای ریشه کن کردن این آئین جدید تصمیم گرفتند کار را با پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم یکسره کنند و شبانه به خانه او حمله برده و او را به قتل برسانند، خداوند پیامبرش را از این تصمیم آگاه کرده، امر به هجرت می کند اما تدبیری لازم

بود تا کفار قریش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مطلع نشوند و این هجرت بسیار محرمانه سری به سرانجام برسد پیامبر این امر خطیر را با علی علیه السلام در میان گذاشت و علی با اخلاص تمام و اشتیاق وافر قبول کرد که جانفشانی کرده و در رختخواب ایشان بخوابد و در نیمه شب با این تدبیر نقشه شوم مشرکان نقش بر آب شد و خداوند از این عمل امیرالمؤمنان تقدیر کرده آن جا که می فرماید :

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ⁹

«واز مردم کسی است که در پی خوشنودی خدا جان خود را می فروشد»

فداکاری های علی علیه السلام در موضوع هجرت منحصر به خوابیدن او در بستر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نبود.

بلکه در غیاب آن حضرت حل و فصل امور مسلمانان مکه و همچنین تأدیه اماناتی که مردم به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم سپرده بودند و نیز رساندن فواطم آن هم با مشقت فراوان به مدینه به دست توانایی ایشان صورت گرفت ، و با ورود کاروان امام به قبا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با همراهی او از قبا به سوی مدینه حرکت فرمود .

فصل سوم : از آغاز هجرت تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در بدو ورود به مدینه اقدام به ساختن مسجد کرد و برخی از صحابه درهای منزلشان به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باز می شد تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به فرمان خداوند دستور دادند تا تمام درهایی که از حجره های اصحاب به مسجد باز می شد را ببندند جز درب خانه علی علیه السلام و به دنبال اعتراض اصحاب خود فرمودند :

«آگاه باشید این مسجد من بر زنان حائض و بر مردان جنب حرام است مگر بر محمد و اهل

بیت او ، علی ، فاطمه و حسنین علیهم السلام»

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در ماجرای عقد اخوت میان اصحاب خود از مهاجرین و انصار خود با

حضرت علی علیه السلام عقد برادری را منعقد کرد و فرمود : « انت اخي في الدنيا والاخره»¹

¹ اعلام الهدایه ج2: الامام علی بن ابیطالب امیرالمومنین/لحنه التالیف/ مرکز الطباعه والنشر سجع العاملی لاهل البیت علیه السلام 1422هـ. ق ص 52 ر.ک: سنن الترمذی 595/5 حدیث (3720)



به دنبال هراس مشرکین از نفوذ قدرت روز افزون اسلام ، در هفدهم ماه رمضان سال دوم هجری لشکر دشمن با تجهیزات کامل و لشکری یک هزار نفری در مقابل **313** نفر از سپاهیان اسلام قرار گرفته و جنگ بدر را به تصویر کشیدند ، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پرچم جنگ را به دست توانای امیرمؤمنان سپردند و علی علیه السلام نیز در این جنگ دفاعی چنان شجاعتی از خود نشان داد که مشرکین بابه جا گذاشتن هفتاد کشته و هفتاد اسیر شکست خورده و پا به فرار گذاشتند .

آری کشته شدن دلاوران سپاه دشمن ، آن هم به دست علی علیه السلام سبب شد که جنگ جویان مکه نام جنگ بدر را جنگ سرخ بگذارند.

یکی از حوادث مهم بعد از جنگ بدر ازدواج آسمانی دو گوهر گرانبهای هستی ، حضرت علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها است که به اذن پروردگار عالم و در نهایت سادگی صورت پذیرفت ، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خطبه عقد را ایراد کرده و به دنبال آن برای فاطمه و علی و ذریه ایشان دعا کرده و از شر شیطان رجیم آنان را به خدا پناه می دهد و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به صراحت می فرماید : « **لَوْلَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كِفَاؤٌ** » و حضرت می فرمایند، من فاطمه را به علی تزویج نکردم بلکه خداوند او را به وی تزویج کرد.

یکی از دو آزمایش عظیم الهی برای مسلمانان جنگ احد بود که به علت نافرمانی گروهی از مسلمانان ثابت قدم تر بود . علی علیه السلام در این جنگ آن قدر دلاورانه شمشیر زد تا اینکه شمشیرش شکست و بیش از **60** زخم به سر و صورت و بدن او وارد آمد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شمشیر خود را به او داد و او با همه ی توان دشمن را از اطراف رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دفع می کرد تا آن جا که دیگه غیر او و ابودجانه سماک بن خرشه کسی با پیغمبر نماند .

و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ابودجانه را فرا خواند و فرمود تو هم بازگردو بیعتم را از تو برداشتم اما علی علیه السلام بماند زیرا او از من است و من از اویم .

با نقض پیمان دوستی و عدم تعرض به مسلمین که از سوی یهود بنی النضیر صورت گرفت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای رویارویی با ایشان عازم آن منطقه شدند که البته با شجاعت امیرمؤمنان و تنها کشته شدن **3** تن از یهود چنان رعب و وحشتی در دل آنان افتاد که خود سبب کوچ آن ها از مدینه شد.

یکی دیگر از پیکارهای تاریخی علی علیه السلام جنگ با عمرو بن عبدود است او که یکی از دلاوران نامدار عرب بود که به همراه چند تن دیگر از زورمندان از خندق بگذرد و در برابر لشکر اسلام حاضر شده و هم‌اورد طلب کند لذا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دستور دادند که یک نفر برخیزد و شر او را از مسلمین کوتاه نماید .

اما کسی جز علی علیه السلام حاضر نشد به میدان برود پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شمشیر مخصوص ذوالفقار را به وی بخشید و در حقش این گونه دعا کرد:

(اللهم احفظه من بين يدي ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته) خداوند او را از پیش رو و پشت سر از راست و چپ و بالا و پایین حفظ کن .

با رویارویی این دو جنگجوی نیرومند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند : «بَرَزَ الْإِيمَانُ كُلَّهُ إِلَى الشَّرِكِ كُلِّهِ»¹⁰.

امیرمومنان بعد از اینکه دو پیشنهاد خود را (دعوت به اسلام و ترک میدان) به او داده و وی نپذیرفت با چابکی خاصی توانست شمشیر او را دفع کرده و شمشیر خود را در ساق پای او جا داده او را به زمین زده و درک واصل نماید .¹¹

در جریان صلح حدیبیه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمومنین فرمود بنویس : بسم الله الرحمن الرحيم و علی علیه السلام نوشت اما سهیل بن عمرو که نماینده ی قریش بود مخالفت کرد، و گفت بنویسید باسمک اللهم و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم موافقت کرد سپس به علی علیه السلام فرمود بنویس : (هَذَا مَا مَالِكٌ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ) و دوباره سهیل اعتراض کرد که ما اگر به رسالت و نبوت تو معترف بودیم که به جنگت نمی آمدیم لذا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم موافقت کردند اما علی علیه السلام فرمود یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مرا یارای چنین جسارتی نیست لذا خود پیامبرمبادرت به حذف آن کرده و رو به علی علیه السلام کرده و فرمودند بنویس که برای تو نیز چنین ماجرای دردناکی پیش خواهد آمد و به ناچار به چنین کاری راضی خواهی شد و بدین ترتیب خبری غیبی از آینده وی به او دادند .¹²

در روایتی آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در روز حدیبیه به سهیل بن عمرو که با گروهی از سران قریش به نزد ایشان آمده بودند و تقاضای برگرداندن غلامان و پسران و برادران خود را کرده بودند فرمودند : ای توده های قریش دست از مخالفت با ما بردارید و گرنه خداوند کسی را



بر شما برمی انگیزد که گردن های شما را با شمشیر بزند گفتند آن شخص کیست ؟ فرمود : آن کسی است که خدا دل او را برای ایمان آزموده است و او وصله کننده ی کفش است . علی علیه السلام می فرماید : من در همان حال نشسته بودم و کفش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را وصله می زدم .¹³

سال هفتم هجری فرا رسید و پیامبر به همراه یارانش به امید غلبه بر یهود خیبره سوی آن جا که کانون تحریکات ضد اسلامی بود حرکت کردند ایشان توانستند قلعه های خیبر را یکی پس از دیگری فتح کنند تا بالاخره به آخرین قلعه که از همه محکمتر بود رسیدند.

برای فتح خیبر پرچم اسلام روز اول در دست ابوبکر و روز دوم در دست عمر بود که هیچ کدام یک از آنان نتوانستند پیروزی به دست آورند . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم با شنیدن این خبر فرمود فردا - پرچم را به دست کسی خواهم داد که خداو پیغمبرش او را دوست داشته و او نیز آنان را دوست دارد . فردای آن روز پیامبر پرچم را به علی بن ابیطالب سپردند و علی باکندن در خیبر توانست مسلمانان را وارد قلعه کرده و آنجا را فتح کند .¹⁴

در روایتی از اسماء بنت عمیس آمده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در دامان علی علیه السلام بود درحالی که او به آرامی با علی علیه السلام سخن می گفت و این حال تا غروب خورشید ادامه یافت و نماز قضا شد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : خداوند این عمل علی علیه السلام در راه طاعت تو و پیامبر تو بود خورشید را برگردان .

خداوند به دعای حضرت خورشید را برگرداند و این معجزه ای برای رسول خدا و کرامتی برای علی علیه السلام است .¹⁵

سازمان اطلاعاتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گزارش کرد که در سرزمینی در (وادی یابس) هزاران نفر با یکدیگر هم پیمان شده اند که در جنگ با اسلام یا کشته شوند و یا محمد صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام را از پای درآورند . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با شنیدن این خبر علی علیه السلام را فرمانده لشکر قرار داده و پرچم را به دست او داد و او را بدرقه کرد و فرمود : **ارسلتک کرازاً غیر فزازاً**؛ او فرماندهی حمله ور است او هرگز پشت به میدان نمی کند و حضرت علی علیه السلام توانست با **3** راهکار جالب جنگ را به نفع مسلمین تمام کند و آن اینکه:

1- تغییر مسیر دادن تا دشمن از حرکت او آگاه نشود .

2- استتار کامل به طوری که شبها راه می رفتند و روزها در نقطه ای پنهان می شدند .



3- کشتن دلاوران دشمن و از دست رفتن روحیه مقاومت ایشان و بعد از پیروزی رسول خدا
صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: ای علی علیه السلام اگر نمی ترسیدم که گروهی از امت من مطلبی را که مسیحیان درباره ی حضرت مسیح گفته اند درباره ی تو بگویم درحق تو سخن می گفتم که هر جا عبور کنی خاک زیرپای تو را برای تبرک بگیرم.¹⁶

در روز فتح مکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: من تو را بلند می کنم تا آن بت را برگیری و نابود کنی سپس ساقهای پای علی علیه السلام را گرفت و او را بلند کرد، علی علیه السلام توانست بت را کنده و به زمین بیافکند و آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پاهای علی علیه السلام را رها کرد و علی بر زمین افتاد و آسیبی ندید علت را از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جویا شد و ایشان فرمودند چگونه آسیبی به تو برسد که محمد صلی الله علیه و آله وسلم تو را برداشت و جبرئیل تو را فرود آورد.¹⁷

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای ریشه کن کردن شرک و دعوت به اسلام گروه هایی را به قبائل اطراف مکه اعزام می کرد از آن جمله خالد بن ولید را با جمعی به سوی طایفه بنی جزیمه که در غمیصا زندگی می کرد فرستاد؛ قبیله مزبور با دیدن خالد از آنجا که در جاهلیت میان این دو قبیله درگیری وجود داشته خود را مسلح کردند اما خالد با جلب اعتماد ایشان و دادن امان بعد از خلع سلاح شدن آنها برآنان حمله کرد و جنایات و خساراتی را به بار آورد . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با شنیدن این خبر سخت برآشفته . علی علیه السلام را برای جبران خسارات راهی آن منطقه کرد . علی علیه السلام با دقت و ظرافت بسیار توانست به نحو اکمل و احسن از آنان دلجویی کرده و همه چیز را پرداخت کند و قبیله را راضی گرداند و وقتی پیامبر از رفتار عادلانه امیر مومنان آگاه شد فرمودند: علی علیه السلام تو رضایت مرا فراهم کردی خدا از تو راضی گردد.¹⁸

از جابرین عبدالله نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در روز طائف با علی علیه السلام مدت زیادی نجوا کرد مردم گفتند نجوای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با پسر عمویش به درازا کشید، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با شنیدن این سخن فرمود: این من نبودم که با علی علیه السلام نجوا کردم در حقیقت خدا بود که با وی نجوا کرد.¹⁹

روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در جنگ تبوک علی علیه السلام را با اهل بیت خود گذاشت و خود عازم تبوک شد علی علیه السلام عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مرا در بین زنان و



کودکان می گذاری ؟ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : آیا تو راضی نیستی که نسبت به من به منزله هارون برای موسی بوده باشی با این تفاوت که پس از من پیامبری نخواهد بود .²⁰

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با فتح مکه و سرنگونی بتهامدینه ، هر روز شاهد ورود هیئت های مختلفی بود که به نمایندگی از طرف قبائل مجاور همبستگی خود را با مسلمین اعلام می کردند از جمله آنان هیئت نجران که بزرگان آنان با لباس های فاخر و تجملات چشمگیر وارد مدینه شده و خدمت حضرت رسول رسیدند اما با بی اعتنایی به ایشان مواجه شدند و به دنبال راه چاره ای برای حل این مشکل برآمدند علی علیه السلام چاره را در کنار گذاشتن تجملات و حضور در نزد رسول گرامی با سادگی تمام عنوان کردند .²¹

و به این ترتیب توانستند بر پیامبر وارد شوند هیات نجران سوالاتی را از پیامبر پرسیدند من جمله اینکه درباره مسیح چه می گویی؟ پاسخ پیامبر ایشان را قانع کرد و با نزول آیاتی از سوره آل عمران حاضر به مباحله شدند که البته با دیدن این صحنه (آمدن پیامبر به همراه عزیزانش) نصارای نجران از مباحله منصرف شدند .

آیه مباحله سندی شد جاویدان در اثبات فضیلت خاندان اهل البیت علیه السلام²²

در سال نهم هجری ابوبکر مامور شد تا 40 آیه اول سوره براءت را بر مردم حاضر در موسم حج قرائت کند همین که ابوبکر مسافتی را رفت پیامبر علی علیه السلام را خواست و این ماموریت را به او محول کرد. ابوبکر نزد رسول خدا برگشت و گفت: پدر و مادرم فدایت باد آیا درباره من آیه ای نازل شده است؟ رسول خدا فرمودند: خیر ، بلکه دستور رسید جز من و یا مردی که از خودم باشد کسی حق ندارد آیات را ابلاغ کند.²³

سال دهم هجرت فرا رسید و طبق قرارداد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با نصارای نجران علی علیه السلام برای تعلیم دین و قضاوت به میان آنان رفت هنگامیکه رسول خدا دست خود را به سینه علی می گذارد فرمود «ان الله يهدي قلبك و يثبت لسانك»

بعد از آن رسول خدا عازم حج شد و طی نامه ای به علی نیز فرمان داد بعد از اتمام ماموریت قصد حج کند. علی علیه السلام با جامه هایی که از نصارای نجران گرفته بود عازم حج شد و نیت خود را اینگونه بست خداوندا به همان نیتی که رسول تو احرام بسته احرام می بندم و آن گاه مردی را بر لشکر گمارد و وارد مکه شد و نزد پیامبر رفته و نیت احرام خود را عنوان کرد پیامبر به ایشان



فرمودند: پس تو در قربانی شریک من هستی و من به جای تو نیز قربانی می کنم. بعد از انجام عمره علی علیه السلام به نزد لشکریان آمد و مشاهده کرد که لشکریان لباسهای فاخر به تن کرده اند آنان را توبیخ کرده و دستور دادند لباس های خود را به تن کنند. این امر سبب شد که لشکریان شکایت ایشان را به پیامبر بکنند و پیامبر در جواب ایشان فرمودند: «لَا تَشْكُوا عَلَيْنَا فَإِنَّهُ يَخْشَى ذَاتَ اللَّهِ غَيْرَ مَدَاهِنَ فِي دِينِهِ»²⁴ در روز هیجدهم سال دهم هجرت و به هنگام بازگشت از حجة الوداع این آیه بر پیامبر نازل شد «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ...»²⁵ و به دنبال آن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همگی را فرا خوانده و پس از ادای نماز جماعت بر منبر رفته و ضمن خبر دادن از مرگ خود با گواه گرفتن مردم در امین بودن امر رسالت خبر از دو چیز گرانبها دادند یکی کتاب خدا و دیگری عترت و دستور به پیروی از آنان را صادر کرده و متذکر شدند که خوشبختی فقط در گروی تبعیت از آن دو است آن گاه دست علی را گرفته و فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مُوَلًّا فَهَذَا عَلِيٌّ مُوَلًّا...» هنوز این دو نفر از هم جدا نشده بودند که این آیه بر پیامبر نازل شد «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...»²⁶

سال یازدهم هجرت فرا رسید و بیماری پیامبر روز به روز شدت می گرفت و ایشان چون رحلت خود را نزدیک می دید مرتباً وصیتهای خود را تکرار می کرد و مردم را سفارش به تقلین می نمود و از جمله وصیتهای حضرت این بود که علی علیه السلام را مامور غسل و کفن و دفن خود قرار دادند و در روایتی از عایشه آمده است که چون هنگام رحلت رسول خدا فرا رسید ایشان فرمودند: «ادْعُوا إِلَى حَبِيبِي» و علی علیه السلام نزد ایشان آمد آن گاه هر دو به زیر پارچه ای که بر روی حضرت رسول بود رفتند و علی در زیر آن پارچه ای بود تا زمانیکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رحلت کردند و از علی علیه السلام در مورد آن سوال شد فرمود: «پیامبر هزار بار باب علم را به من آموخت که از هر بابی هزار باب بر من باز گردد و وصیتی به من فرمود که ان شاء الله بدان اقدام خواهم کرد.»²⁷

نتیجه

امیرمومنان حضرت علی علیه السلام از همه جهات برهمگان برتری داشته اند بنابراین لیاقت جانشینی پیامبر گرامی اسلام و رهبری برمسلمین را دارا بوده اند و با توجه به منابع موجود در کتب

شیعه و اهل سنت اثبات این مدعی برای هر مسلمانی ممکن است پس انکار این حقیقت روشن قطعاً ذلت و خسران ابدی را در برخواهد داشت .

- ¹ شیخ حرعاملی ، اثبات الهدی بالنصوص و المعجزات ، ج 3 ، بیروت : اعلمی ، 1425 ق ، ص 99
- ² محمد تقی ، پویان ، فضایل علی بن ابیطالب امیر المومنین ، بی جا : انتشارات رستگار ، 1370 ، ص 26
- ³ محمد بن یعقوب کلینی ، اصول کافی ، باب مولد امیر المؤمنین
- ⁴ سبط بن ، جوزی ، شرح حال فضائل خاندان نبوت ، ترجمه محمد رضا عطایی ، مشهد : آستان قدس رضوی ، 1379 ، ص 5 تا 7
- ⁵ محمود ، طاهری ، مولای عارفان ، قم : سلسله ، 1379 ، ص 67-69
- ⁶ علی آیینہ حق نما ، ص 40-42
- ⁷ فضل الله ، کمپانی ، علی کیست ؟ بی جا : دارالکتاب اسلامیہ ، 1380 ، ص 50
- ⁸ شعراء : آیه ی 214
- ⁹ بقره : آیه ی ۲۰۷
- ¹⁰ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ، ج 4 ص 344
- ¹¹ علی اکبر، خدیور محسنی، شرح زندگانی علی علیه السلام جلد اول، بی جا : فروغی، چاپ 1328، ص 145-152
- علی علیه السلام اولین مظلوم تاریخ، ص 159-161
- ¹² علی اولین مظلوم تاریخ ، ص 154
- زندگی امیرالمومنین ، ص 111-113
- ¹³ علی اولین مظلوم تاریخ ، ص 154
- ¹⁴ کامل ابن اثیر مورخ معروف اهل سنت ج 2 - صفحه ی 216 به بعد).
- علی علیه السلام اولین مظلوم تاریخ، ص 155-157
- ¹⁵ شرح حال و فضائل خاندان نبوت، ص 73-75
- فضائل علی بن ابیطالب امیرالمومنین علیه السلام، ص 42.
- امالی مفید (ره) مجلس یازدهم.
- علیرضا، غلامی ، سر چشمه ی زلال امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام ، چوپل، چاپ اول 1388، ص 92.
- رک ناظم زاده ی حقی ، اصغر، سیمای پرفروغ، قم: مرکز انتشارات اسلامی حوزه ی علمیه ی 1379، ص 58-59.
- صادق، احسان بخشی دشتی، آثار الصادقین، ج 14، جاوید، زمستان 1370، ص 179-181
- ¹⁶ علی اولین مظلوم تاریخ ، ص 162-163
- عباس ، علم الهدی ، آشنای غریب ، خاتم الانبیاء ، اول 1386 ، ص 70-73
- ارشاد ص 84-86
- ¹⁷ صادق ، احسان بخش دشتی ، آثار الصادقین ، ج 14 ، جاوید ، 1370 ، ص 556

¹⁸ علی آیینہ حق نما ، ص 393-395

زندگی امیرالمومنین ، ص 137-138

¹⁹ شرح حال و فضایل خاندان نبوت ، ص 62

²⁰ شرح حال فضایل خاندان نبوت ، ص 28-30

²¹ صادق ، احسان بخش دشتی ، آثار الصادقین ، ج 14 ، جاوید ، 1370 ، ص 556

²² آل عمران ، آیه 61

امام علی بن ابیطالب ، ص 64

²³ شرح حال فضایل و خاندان نبوت ، ص 55

²⁴ زندگی امیرالمومنین علی علیه السلام ، ص 163-164

²⁵ مائده ، آیه 67

²⁶ مائده : آیه 3

مرتضی ، عسکری ، ولایت علی علیه السلام ، بی جا: دانشکده اصول دین ، 1386 ، ص 63-69

²⁷ زندگی امیر المومنین علی علیه السلام ، ص 173

محمد صادق ، صدر ، امیر المومنین در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ، جمال الدین موسوی اصفهانی ، بی جا

تفاهم ، 1383 ، ص 211